

تر جمهور سخنرانی آقای گامبورد



مبتدئ فرهنگی سفارت کبرای
فرانسه در دانشکده ادبیات
تبریز روز پنجشنبه ۳۴ اردیبهشت ۱۳۴۷

آقای رئیس دانشکده آقایان :

من اولاً از هیئت استادان دانشکده ادبیات تبریز راجع به پیشنهاد ایجاد سخنرانی بفرانسه تشکر میکنم و از آقای دکتر یهانی رئیس دانشکده ادبیات یکم از مورخین عالیمقام و مدیران لایق که افتخار دوستی ایشانرا از دو مال قبیل بانصراف دارم خواهش میکنم مراتب سپاسگزاری مرا قبول فرمایند و نیز بخود اجازه بدهم به همکاران ایشان آقایان چرجانی که مدتهاست اداره روابط فرهنگی را با خارجه در وزارت فرهنگ مهدیده دار بودند و همچنین آقای دکتر تعییی که دارای تحصیلات علمی و فلسفی بوده و متخصص علم تعلیم و تربیت است و یکی از پیشقدمان تأسیس دانشکده ادبیات تبریز میباشد سلام و ادعیه خالصانه خود را بر سامن . علت حضور اینجانب در این جلسه فقط برای ابراز احساسات صمیمانویاد آوری روابط دوستانه ایست که ایران رادر زمینه وسائل فرهنگی با فرانسه مربوط ساخته است و از لحاظ شخصی خوشوقتم که هر وقت فرصتی دست میدهد بشغل اصلی خود یعنی استادی بر میگردم و اما از لحاظ رسمی یعنی بعنوان مبتدئ فرهنگی سفارت کبرای فرانسه در ایران خوشنودم که سلام

دانشگاه فرانسه و میهن خود را بدوستان ایرانیم برسانم .
 روابط فرهنگی بین دانشگاه ایران و دانشگاه فرانسه از دیر بازی
 برقرار شده است بین دانشمندان خارجی و مردان سیاسی که افتخار این
 را داشته‌اند که از طرف دانشگاه تهران بعنوان دکتر افتخاری انتخاب
 شوند عده زیادی فرانسوی وجود دارد که بین آنان میتوانیم آقای
 پرزیدان هریو (۱) که با وجود مشغله امور سیاسی توجه خاصی به مسائل
 روحانی دارد و عضو آکادمی فرانسه است و همچنین آقای آبل هونورا (۲)
 وزیر سابق و مؤسس و رئیس کوی دانشگاه پاریس و آقای لوئی ماسیون (۳)
 استاد کلژ (۴) دوفرانس و عضو فرهنگستان سلطنتی مصر و عضو
 فرهنگستان ایران و آقای امیل بنونیست (۵) استاد کلژ دوفرانس که اخیراً از
 مملکت شما علاوه بر مدارک و تحقیقات متعددی در باره زبان‌شناسی یادگار-
 های فراموش نشدنی با خود بفرانسه آورده است و بالاخره آقای برفسور
 لمیر (۶) استاد جهانی تشخیص امراض در آکادمی طب فرانسه را نام
 برم . اخیراً نشریه دانشگاه پاریس خبر خوبی را منتشر ساخت و آن
 عبارت بود از خبر ایجاد یک مؤسسه عالی برای مطالعات مسائل مربوط به
 ایران که پس از طی دوره آن بکسانیکه در این مؤسسه تحصیل خواهد
 کرد دیپلم ایسانس داده خواهد شد .

از اینجا معلوم میشود که دانشگاه کهنه سال سوربن (۷) با انکاء
 بآداب و رسوم و سنن قدیمه عشق دیرین خود را بایران نشان داده است

۱ - Président Herriot .

۲ - Abel Honorat .

۳ - Louis Massignon .

۴ - collège de France .

۵ - Emile Benveniste .

۶ - Lémire .

۷ - Sorbonne .

و بار دیگر علاقه محیط علمی فرانسه را بفرهنگ‌چند هزار ساله ایران یعنی مملکت زیبای شما ثابت کرده است.

آقای دکتر بیانی رئیس دانشکده ادبیات تبریز از من خواهش کردند تا درباب یک موضوع کلی یعنی «دوستی فرهنگی بین ایران و فرانسه» صحبت بکنم با اینکه فوراً تقاضای ایشان را پذیرفتم ولی بزودی دریاقتم که بعلت همراه نداشتن مدارک لازم برای ایراد چنین سخنرانی حق مطلب را آن طوریکه شاید و باید ادا نخواهم کرد و آقای دکتر بیانی که خود یک مؤرخ دقیقی هستند و مثل مورخ نامی فرانسوی فوستل دو کولانژ^۸) مدارک صریح در این باب خواهند خواست از من راضی نخواهند شد. امیدوارم علم تاریخ که متکی بمدارک متفقی باید باشد نسبت بمن که از کتابخانه خود دور افتاده ام سختگیری نکند.

دوستی فرهنگی بین ایران و فرانسه خیلی ساده میباشد. ولی در عین حال سرشار از لطائف و دقایق است زیرا علل دوستی قابل تعزیه نیست گاهی اتفاق میافتد که بین مللی که هیچ شبههایی باشد ندارند علاقه و ارتباطاتی برقرار نمیشود که شیوه بدوسیهای دیرینه است که مصنفین کتب لاتینی در قرون گذشته در کتابهای خود اشاره‌ای باین نوع دوستیهای بیجهت کرده‌اند. این دوستی نظری احساساتی است که مونتین (۹) یکی از نویسندهای فرانسه در موقع صحبت از دوست خود لابوسی^{۱۰}) به بیان آنها می‌پردازد. میگویند ما باهم دوست بودیم زیرا او بود و من بودم. اما در مورد دوستی ایران و فرانسه دلائل صریح و روشن دیگری وجود دارد که بذکر یکی از آنها می‌پردازم میگویند ایرانیان فرانسویان آسیا هستند این مثل سالها است که در

^۸ — Fustel de Coulangé.

^۹ — Montaigne.

^{۱۰} — La Boétie.

زبان عموم جاری است ولی من شخصاً میگویم با اینکه در اکثر ممالک شرق مثل ترکیه و سوریه و مصر و عراق و لبنان زندگانی کردیم ولی در هیچ یک از این کشورها خود را مثل ایران در خانه خود ندیده‌ایم و صادقانه تکرار نمیکنم که این ضرب‌المثل دارای مبانی صحیحی است. دو وجه شبیه یکی تاریخی و دیگری جغرافیائی سبب شده است که بین فرانسه و ایران یک خویشاوندی روحانی ایجاد شود در اثر بازبودن سر - حدات فرانسه مخصوصاً از جانب شمال شرقی تو بعلت آغوش باز مردم این سامان کشورهای بهترین هقطه برای قبول مهاجرین نژادسفید است و چهار راهی است که تمام تهاجمات اقوام برابر به آنجا ختم شده و مبدع پیدا شد تمام نهضتوای روحانی و زیارت‌های مذهبی است از طرف دیگر فرانسه مثل صفوی است که بادی که از او قیانوس بر میخورد از آن عبور کرده و در عین حال ساحلی است که امواج و گردابهای درهم و برهم اقوام مهاجر و توده‌های بشر در سکنار آن مسح شده‌اند. در تاجیه شان کاتالونیک (۱۱) وتل یاک و پواتیه فرانسه را میتوان به تابه تخته‌ستگی دانست که امواج تمدن‌های مبهم مثل تمدن هن، وینکنس و نور (۱۲) با آن تماس پیدا کرده و پس از اشغال این سرزمین در صده تجزیه و تخریب و قطعه قطعه ساختن آن برآمده‌اند ولی توانستند ظاهر خشن و مستحکم آنرا عوض کنند فرانسه مثل چهار راهی است که تهدیر آنرا برای برخورد این اقوام معین نموده و این کشور ماموریت خود را که عبارت از نظر و بسط داشت هنوز انجام نمیدهد. مردم فرانسه باشور و کجکاوی آثار مشرق اروپا و طرز تکلم مردم آنچه را طالبند و در عین حال ترجمان آثاری هستند که از قاره جدید یعنی آمریکا به آنچه میرسد. خاک فرانسه برای

۱۱ Champs catalonique Tolbiac poitier.
۱۲ - Huns Vikings , Maures .

مردم شرق و ساکنین دنیای جدید بمنزله محضری است جهانی که در آنجا تمام آثار فکر آنان وارد طرح ادبیات دنیائی میشود اما ایران بقول ادوار براؤن (۱۳) مثل پلی است که بین آسیای شرقی و قسمت آسیائی آفریقا بنا شده و معبری است که تهاجمات متوالی از آنجا صورت گرفته و مکانی است که تمدن‌های مختلف آثار گوناگونی در آنجا از خود باقی گذارده‌اند و سرزمینی است که از طرفی تحت تاثیر ساکنین اطراف مدیترانه و تمدن مغرب و از طرف دیگر تحت نفوذ تمدن سایر قسمت‌های آسیا و هندوستان واقع شده و در عالم ادبیات مرز و بوم ممتاز است که می‌باستی در آنجا ادبیات بعد اعلای درجه کمال برسد.

با وجود این تهاجمات اقوام مختلف معدلك در عالم تمدن ایران اصالت خود را حفظ کرده است. در حفاری‌ها ظروفی بدست می‌آید که نقش و نگار دوره مغول بر آنها کشیده شده ولی اگر درست دقت شود آثار روح و ذوق ایرانی در آنها پیدا است میل بادامه حیات و بقاء زندگانی در فرانسه و ایران یک درجه دیده میشود سیاح معروف فرانسوی کنت دو گوینو (۱۴) میگوید فرض کنید در بستر سیلابی سنك عظیمی افتاده است در بهار و تابستان موقع طفیان رود گاهی از اوقات آب این سنك را از جای خود حرکت میدهد ولی وقتیکه ابرهای طوفان در آسمان پراکنده شدند سیل میگذرد و سنك بر جای خود می‌ماند. این قضاوت در باره تحولات تاریخی فرانسه و ایران صادق است.

برای اینکه فرانسه بتواند از حاصل ادبی خود چیزی بدیگران بدهد باید ابتدا از سایر مردم جهان چیری بستاند. و قبل از اینکه ادب و نویسندگان

فرانسه پیام منجز و بلیغ خود را بگوش جهان برساند ناگزیر است حملات قوای غریزی مبهم دیگران را که نشانه قدرت بدون اراده و وجود ان است تحمل کند ولی پاداش قبول این حملات جنبه جهانی است که آثار ادبی او دارا میباشد.

صد سال قبل وقتیکه پادشاهان ایران خواستند مدیران و مدبران ایران را با تمدن مغرب آشنا سازند و تصمیم گرفتند عده‌ای دانشجو باروپا اعزام دارند کشور فرانسه را مناسبترین نقطه‌ای برای انجام این منظور تشخیص دادند. و همان رشته دوستی نهانی سبب انتخابی گردید که توام با نهایت بصیرت است هیچ کشودی بهتر از کشور فرانسه نمیتوانست این ماموریت را انجام دهد زیرا مدت‌هاست که بقول کیپ‌لینک (۱۵) ملت فرانسه بار تریت نژاد سفید را بدوش گرفته و سنگینی این بار را بدون تکبر و چشم‌داشتی مجاناً تحمل کرده است و در ازاء این خدمت چیزی از کسی نمیخواهد و تنها توقعش رفتار متقابل دوستانه و بی‌ریای ملل دیگری است و بوسیله همین گذشتها ملت فرانسه توانسته است راه نفوذ معنوی خود را باز کند. وقتیکه ما از معنویات خود ارمغانی برای ملل شرق می‌آوریم در مقابل نیز تقاضا داریم که آنها هم آنچه از این متعاق از اجداد خود بارث برده‌اند در اختیار ما بگذارند. زیرا ما بخواسته معنوی همه ملل بدیده احترام مینگریم و از راه تماس با آن میتوانیم بمنابع ثروت اخلاق و ادبی خود بیفزاییم. آنچه فرافسه در اختیار دیگران میگذارد فقط مجموعه یک عده قوانین و طرق علمی تنها نیست زیرا میدانیم که طرق علمی اگر همراه با فرهنگ مناسبی نباشد بدون شک بلا تأثیر خواهد ماند نکته دیگری را باید تذکر بدهم و آن اینستکه فرانسویان یکی از بهترین مردمان در دنیا میباشند. در هر فرانسوی قدرت تعلیم و تریت نهفته است و تنها اثر وضوح و صراحت ییان اشخاصی امثال دکارت در زبان فرانسوی

دیده نمیشود بلکه قبل از هر چیز احساسات رقیق اوست که دیگران را بست وی میکشاند خدمت در راه نوع بشر را هر فرد فرانسوی توأم با مهمان نوازی میداند. و از بذل و بخشش امساك نمیکند اگر ما چیزی داشته باشیم نمیخواهیم مخفی کنیم بلکه خوشوقت خواهیم بود که نفعی از آن بسایرین برسد. و من صمیمانه تصور میکنم که ملل دیگر بهمین دلیل بیشتر مایلند که بوسیله فرانسویان یتمدن و فرهنگ غرب آشنا شوند. فرانسه مثل لباس برازنده‌ای باندام نوع بشر است

مناظر زیبا و آب و هوای معتدل آن درس نیکبختی و سعادت را میدهد فرانسوی با چیز فوق العاده و محیر العقول سروکار ندارد و اعتدال و میانه روی را از دست نمیدهد و در سرمینی که بزیور جاندار تمدن‌های کهن‌سال آراسته است با حزم و احتیاط قدم بر میدارد و بعلاوه اشیاء بیفایده‌ای که زائیده فعالیت بشر است مثل شعر و ادب و صنایع ظریفه را دوست میدارد.

مردم ایران نیز در این انتخاب با مشارکی کنندو پیدایش این تمایلات موازی و متقاضی تیجه تصادف نیست بلکه وجود این سایقه مشترک عمل استحکام پایه مودت و دوستی ثابت یعنی همه ملل جهان و مخصوصاً یعنی فرانسه و ایران میباشد.

دلایل دیگری برای بقاء پیوند دوستی یعنی دو کشور ما وجود دارد ولی چون بعد کافی از توجه شما بگفته‌های خود استفاده کرده‌ام موضوع عمل دوستی یعنی ایران و فرانسه را که خیلی شائق به بحث بیشتری در اطراف آن بودم ناتمام بگذارم و امیدوارم دانشکده ادبیات تبریز تحت توجهات مخصوص اعلیحضرت همایونی و سرپرستی مؤسسین روشن‌ضمیر آن در راه ترقی فرهنگ و رسیدن به کمال مطلوب و تریست نسلهای جوان در این شهرستان زیبایی کشور مهمان نواز ایران قدمهای سریعی برداشت و پذارج عالیه کمال بررسی.